

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۶/۱۴

برنامه حبل المتین

موضوع: بی حیایی، دزدی، چپاول و خبثت درونی و ذاتی وهابی ها!

خلاصه آنچه در این برنامه خواهید دید...

مجری: عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما خوبان، بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت». از آنجایی که والده مکرمه آقای اسماعیلی عزیز به رحمت خدا رفتند، بنده امشب در خدمت شما بزرگواران و عزیزان هستم. از تمام عزیزانی که این برنامه را به صورت زنده و یا بازپخش آن را مشاهده می‌کنند، تقاضا دارم فاتحه‌ای را نثار روح مادر عزیز، کریم و بزرگوار آقای اسماعیلی بفرستید.

خلاصه ای از مطالب جلسه گذشته!:

ما در جلسه در رابطه با استدلال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر افضلیت خودشان و حقانیت خودشان مطالبی بیان کردیم که آن حضرت استناد فرموده بودند. در ادامه مباحث به موضوع خمس رسیدیم. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: غیر از من و حضرت زهرا هیچکدام استحقاق اخذ خمس که در حقیقت در ردیف «حق الله» و «حق النبی» آمده است، را ندارید.

به دلیل اینکه خمس در ردیف «حق الله» قرار گرفته است، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را به عنوان یک فضیلت بیان فرمودند. ما این روایات را از منابع اهل سنت آوردیم؛ از جمله کتاب «صحیح مسلم» حدیث ۴۵۷۷

و «مسند احمد بن حنبل» جلد چهارم صفحه ۱۰۵ و از کتاب «سنن ابی داوود» به قلم آقای «البانی» حدیث ۲۹۷۸ را نقل کردیم.

آنچه مطلب جالب و مهمی بود که ما مطرح کردیم، بحث غنیمت بود؛ آقایان وهابی ادعا کردند غنیمت تنها مربوط به غنایم جنگی است!! ما در جواب این ادعا بیان کردیم که غنیمت نه تنها شامل غنایم جنگی می‌شود، بلکه شامل سود تجارت و زراعت یا مشاغل دیگر می‌شود. همچنین روایاتی از کتب لغت و کتب تفسیری آوردیم.

اساسی‌ترین مطلبی که در جلسه گذشته مطرح کردیم، این است که در جواب آقایانی که می‌گویند: "خمس تنها در غنایم جنگی است"؛ روایتی از کتاب «صحیح بخاری» آوردیم: «وقال مالک وبن إدريس الرّكازُ دفنُ الجاهلیة فی قلیله وکثیره الخمس و لیس المغدین برکازٍ وقد قال النبی فی المغدین جُبارٌ وفی الرّکازِ الخمس» صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۴۵، ۶۵ باب فی الرّکازِ الخمس

در این روایت به صراحت بیان شده است که در تمام اشیایی که از معدن استخراج می‌شود و همچنین «در» که از دریا استخراج می‌شود، خمس قرار دارد و در دریا هم برای به دست آوردن این اشیا نمی‌جنگند.

متأسفانه علما برای اینکه نیایند بگویند که خمس بدهید تا شبیه شیعیان بشوید، خمس را ممنوع اعلام می‌کنند. علمای اهل سنت خیال می‌کنند به دلیل اینکه شیعیان قائل به خمس است، اگر ما هم به اهل سنت بگوییم: "خمس این موارد را بدهید" با مشکل مواجه می‌شوند.

دزدی، چپاول و خباثت درونی و ذاتی وهابی‌ها!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «من انّهب نهبه فلیس منّا» از ما نیست کسی که اموال

مردم را چپاول کند. مسند ابن ابی شیبّه، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۸۹۰

آقایان وهابی باید خودشان از ۷۳ فرقه اسلامی، همان طوری که «ابن تیمیه» بیرون رفته است، بیرون بروند و تکلیف خودشان را مشخص کنند که به کدام سمت می‌خواهند بروند. این افراد اخیراً با اسرائیل و یهود صمیمی شده‌اند و روابط حسنه پیدا کرده‌اند. این افراد عمری ادعا می‌کردند: "شیعه با یهود ارتباط تنگاتنگ دارد!!" همچنین آقای «کالکرابی» در برنامه دیشب خود می‌گفت: "علمای شیعه با یهود عهد و پیمان دارند!!"

ای مردم! عزیزان اهل سنت! جوانان وهابی! شما بیایید داوری کنید. آیا شیعه با یهود ارتباط دارد، یا سران وهابی و کارشناسان شبکه‌های شیطنانی صهیونیستی!؟

عجیب است همین دیشب آقای «کالکرابی» گفت: "در ایران بیش از دو میلیون فرزند نامشروع وجود دارد!" بلافاصله یکی از آقایان تماس گرفت و گفت: "آقای حیدری راست می‌گوید. یکی از این اشخاص مجهول الهویه خود ایشان است که از کالکراب به آنجا مهاجرت کرده است!"

البته باید آقای «عقیل بی‌عقل» را هم به این افراد مجهول الهویت اضافه کرد؛ زیرا ایشان گفت: "نسب من به هاشم می‌رسد!"، با مراجعه به کتاب نسب هاشمی معلوم شد که نسب این شخص نادرست است. آقایانی که مرتب نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جسارت می‌کنند و خون کشته‌های جنگ جمل و صفین را به عهده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌اندازند؛ حتماً یکی از مجهول الهویت‌ها هم ایشان هستند. آقای بی‌حیا و هتاک و بی‌شرم که ما یقین داریم اگر آزمایش «DNA» بدهد، کاملاً هویت او مشخص می‌شود؛ نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ادعا می‌کند که ایشان از ناموسشان دفاع نکردند.

این شخص پست فطرت و اژه وقیحی که حتی لات‌های بی‌سروپا و حرامزاده‌ها نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به کار نمی‌برند، نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به کار برد!! حتماً یکی از افراد مجهول الهویت‌ها همین افرادی است که آقای «حیدری» اطراف خود جمع کرده است. از میان این دو میلیون نفر که «کالکرابی» بیان کرده است، حدود ۱۵ نفر آنان مشخص شد؛ حال باید در جستجوی افراد دیگر باشیم.

دیدگاه «ابن تیمیه» در رابطه با مسئله خمس!:

«شیخ الاسلام» که بهتر است «شیخ الشیطان» خطاب کنیم می‌گوید: «وَأما الخمس فقد اختلف اجتهاد العلماء فيه» اجتهاد علما در رابطه با خمس اختلاف دارند، «فقال طائفة سقط بموت النبي» زیرا طایفه‌ای گفتند: حکم الله با رحلت پیغمبر اکرم تمام شد. «ولا يستحق أحد من بنی هاشم شیئا بالخمس» هیچ فردی از بنی هاشم حق گرفتن خمس را ندارند. «وقالت طائفة بل الخمس إلى اجتهاد الإمام يقسمه بنفسه فی طاعة الله ورسوله» عده دیگری می‌گویند که خمس به اجتهاد امام مربوط می‌شود. هر گونه که خواست می‌تواند در اطاعت خداوند و رسولش تقسیم بکند. «فهذا قول لم يقله قط أحد من الصحابة» یک نفر از صحابه در این زمینه چنین حرفی نزده است. «وکل من نقل هذا عن علی أو علماء أهل بيته كالحسن والحسين وعلی بن الحسين وأبی جعفر الباقر وجعفر بن محمد فقد کذب علیهم» تمام روایاتی که از علی و علمای اهل بیت از جمله امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر و امام صادق نقل می‌کنند، همگی دروغ است. «فإن هذا خلاف المتواتر من سيرة علی رضی الله عنه» از سیره علی روایات متواتری داریم که اصلاً چنین چیزی نبوده است. «فإنه قد تولى الخلافة أربع سنين وبعض أخرى ولم يأخذ من المسلمین من أموالهم شیئا» امیرالمؤمنین چهار سال خلیفه بوده است و در این مدت از احدی از مسلمانان اموالی به عنوان خمس دریافت نکرده است. **منهاج السنة النبویة، ج ۶، ص ۱۰۶**

ان شاء الله خداوند جزای خیر به آقای یزدانی بدهد، زیرا ایشان کار بزرگی انجام دادند. با تلاش‌های ایشان دروغ‌های «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» در تاریخ ماندگار شد و وهابیت نتوانستند جواب بدهند. هرکسی اسم «ابن تیمیه» را می‌برد سریع تلفن را قطع می‌کردند و این نهایت افتضاح آنان در شبکه‌های وهابی است.

آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از کسی خمس دریافت کرده است!؟

«بیہقی» متوفای ۴۵۸ ہجری می‌آورم. ایشان در این روایت می‌گوید: «جاء رجل إلى علي رضي الله عنه فقال إني وجدت ألفا وخمس مائة درهم في خربة في السواد» شخصی نزد امیرالمؤمنین آمد و عرض کرد: من در خرابه‌ای در سواد ۱۵۰۰ درهم پیدا کرده‌ام آن را چکار کنم؟ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جواب این شخص فرمودند: «فلک أربعة أخماسه ولنا الخمس» چهار پنجمش مال خودت و یک پنجم این پول مال ماست «قال الشافعی قد رووا عن علي رضي الله عنه بإسناد موصول أنه قال أربعة أخماسه لك» شافعی می‌گوید: حضرت علی (علیه السلام) چهار پنجم این اموال را به شخص دادند و یک پنجم آن را میان فقرا تقسیم کردند.

سنن البیهقی الكبرى ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۷۴۴۴

در کتاب «وسائل الشیعه» جلد نهم صفحه ۵۰۶ روایتی بیان شده است که می‌گوید: شخصی نزد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مالی به دست آورده‌ام که برای جمع کردن آن خیلی حلال و حرام را رعایت نکرده‌ام. آیا می‌توانم توبه کنم؟! حضرت فرمودند: «أَتَيْتَنِي بِخُمْسِهِ» خمس آن مال را بیاور و به من بده «فَقَالَ هُوَ لَكَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَابَ تَابَ مَالُهُ مَعَهُ» این شخص خمس مال خود را به

امیرالمؤمنین پرداخت کرد. وسائل الشیعه؛ ج ۹، ص ۵۰۶، ح ۱۲۵۹۳

همچنین حضرت می‌فرماید: «تَصَدَّقْ بِخُمْسِ مَالِكَ فَإِنَّ اللَّهَ رَضِيَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْخُمْسِ وَ سَائِرُ الْمَالِ لَكَ حَلَالٌ.» خمس مال خود را به عنوان حق الله پرداخت کن و مابقی مال برای تو حلال است. وسائل الشیعه؛ ج ۹،

ص ۵۰۷، ح ۱۲۵۹۴

شیخ فاسد لس آنجلسی؛ آبروی افغانی‌ها را برده است!!

«اللهیاری» ننگ جامعه افغانستان شده است. این شخص که به هرکسی که می‌بیند یک برچسب فساد اخلاقی

می‌زند؛ من نمی‌دانم آیا او دین و وجدان و انسانیت ندارد؟!

او به هر مرجعی می‌رسد بلافاصله نسبت‌های زشت اخلاقی می‌دهد. یکی از آقایان می‌گفت: این شخص قیاس به نفس می‌کند! من بارها گفتم: از نزدیک‌ترین منسوبین ایشان مطالبی در سینه‌ام هست که فقط اگر عفت عمومی به من اجازه می‌داد، بخش‌هایی از این مطالب را بیان می‌کردم تا ایشان دیگر از خجالت جرئت نکند یک حرف بزند!!

من تمام این مطالب را در سینه‌ام نگه داشتم که اگر واقعاً ایشان بی‌حیایی را از حد گذراند و شرعاً مجوز داشته باشم، این مطالب را به صورت مستند مطرح می‌کنم. من از نزدیک‌ترین رفقای ایشان مطالبی از ایشان دارم که رسوایی او را جهانی خواهد کرد. این شخص دست «عمرو عاص» که توطئه‌های بزرگی در حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌کرد را از پشت بسته است

سرنوشت غم بار سنت پیغمبر، بعد از رحلت ایشان!

سرنوشتی که سنت پیغمبر اکرم بعد از رسول الله پیدا کرد را مشاهده کنید. به ما بگویید محتوای ۵۰۰ روایت رسول گرامی اسلام که خلیفه اول آن‌ها را به آتش کشید، چه بود؟! من می‌خواهم ادعا کنم که از میان این ۵۰۰ روایت، ده روایت وجود داشت که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مردم خمس دریافت کرده بودند.

مشاهده کنید در حدود ۱۵ سال صدر اسلام سرنوشت سنت پیغمبر اکرم به کجا رسیده است که آقایان به صراحت می‌گویند: "سنت پیغمبر اکرم نابود شد و غیر از نماز چیز دیگری برای من نمانده است!" «سَمِعَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ يَقُولُ: إِنَّ حَدِيثَكُمْ شَرُّ الْحَدِيثِ، إِنَّ كَلَامَكُمْ شَرُّ الْكَلَامِ» شنیدم عمر بن خطاب به صحابه می‌گوید: حدیث شما شر الحدیث است و کلام شما شر الکلام است. «فَلْيَقُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، وَإِلَّا فَلْيَجْلِسْ» هرکسی

می‌خواهد حرف بزند از قرآن حرف بزند یا اینکه ساکت بنشیند. تاریخ **ابی زرعۃ الدمشقی**، ج ۱، ص ۵۴۳

«ابن حزم أندلسی» که الگوی «ابن تیمیه» است نقل می‌کند که عمر گفت: «إِنَّ حَدِيثَكُمْ شَرُّ الْحَدِيثِ إِنَّ كَلَامَكُمْ شَرُّ الْكَلَامِ» حدیث شما شر الحدیث است و سخنان شما شر السخن است. «فهذا قول عمر لأفضل قرن

علی ظهر الأرض» سخن عمر بن خطاب که می‌گوید: حدیث شما شر الحدیث است، برای بافضیلت‌ترین قرن در کره زمین است. «فکیف لو أدرك ما نحن فيه من ترك القرآن وكلام محمد صلى الله عليه وسلم» اگر جناب عمر زمان ما را درک می‌کرد، مشاهده می‌کرد که ما قرآن کریم و سخن پیغمبر اکرم را کنار گذاشتیم، والإقبال علی ما قال مالک وأبو حنیفة والشافعی وحسبنا الله ونعم الوکیل وإنا لله وإنا إليه راجعون» الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۶، ص ۹۸

من این روایت را دیشب پیدا کردم: «مما أدركت عليه الناس إلا النداء بالصلاة» تمام سنت پیغمبر اکرم رفته است و تنها دعوت به نماز باقی مانده است. «قال الزهري: دخلت على أنس بدمشق وهو يبكي» «زهري» می‌گوید: من پیش «أنس» خادم پیغمبر اکرم رفتم و دیدم گریه می‌کند. «فقال: ما أعرف شيئاً مما أدركت إلا هذه الصلاة وهذه الصلاة قد ضيعت» او گفت: تمام سنت پیغمبر اکرم از دست رفت و تنها نماز باقی مانده بود که نماز را هم از بین بردند. «قال الطروشى رحمه الله: فانظروا رحمكم الله إذا كان فى ذلك الزمن طمس الحق، وظهر الباطل» طروشى می‌گوید: در زمانی که انس خادم پیغمبر اکرم بوده است و هنوز ۵۰ سال از وفات پیغمبر اکرم نگذشته است، حق نابود شد و باطل ظاهر شده است. «حتى ما يعرف من الأمر القديم إلا القبلة» از سنت قدیم غیر از ایستادن به طرف قبله چیز دیگری باقی نمانده است. «فما ظنك بزمك» الان وضع ما چیست. الرسائل الشخصية، ج ۱، ص ۱۷۹

در کتاب «صحيح بخارى» روایتی وارد شده است: «ما أعرف شيئاً مما كان على عهد النبى» از آنچه در زمان پیغمبر اکرم بود اثری باقی نمانده است. «قيل الصلاة» گفتم: نماز سنت پیغمبر اکرم که باقی است. «قال أليس ضيعتُم ما ضيعتُم فىها» گفت: آیا خود نماز را هم نابود نکردیم؟! صحيح بخارى؛ ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۵۰۶

درد دل استاد: والله گاهی اوقات سینه‌ام از شدت ناراحتی به درد می‌آید. یاد «جابر بن یزید جعفی» می‌افتم که آمد خدمت امام صادق (علیه السلام) و عرض کرد: یابن رسول الله! احادیثی از پدرتان شنیده‌ام که دارد سینه‌ام

را فشار می‌دهد و سینه‌ام درد می‌کنم و دیگر تحمل ندارم. خدا می‌داند گاهی اوقات من این جمله «جابر بن یزید» را درک می‌کنم. حضرت در جواب او می‌فرمایند: برو در بیابان چاله‌ای بکن و همانجا «قال الباقر» و «قال الصادق» بگو و بگذار عقده دلت خالی شود. بارها شده است پشت کامپیوتر زمانی که به یک قضایایی می‌رسم، در را محکم می‌بندم و گوشه‌ای می‌نشینم و سیر گریه می‌کنم تا عقده دلم خالی شود و بعد دومرتبه پشت کامپیوتر می‌نشینم

ما انتظار داریم اهل سنت، جواب بی‌حیایی این افراد را بدهند!

«کالکرابی» می‌گوید "شیعیان نمی‌توانند از ناموسشان دفاع کنند و همیشه ناموسشان مورد تجاوز دیگران هستند." من از تمام عزیزانی که با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرند خواهش می‌کنم و شما را به حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قسم می‌دهم که با شبکه‌های شیطانی تماس بگیرند و از آقای «سجودی» بپرسند که آیا حرفی که آقای «حیدری» می‌زند درست است؟! می‌خواهم از آقای «سجودی» این سؤال را بپرسید به دلیل اینکه پدر و مادر و خواهر و دخترعمو و دخترعمه آقای «سجودی» شیعه هستند.

شما را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) قسم می‌دهم گوش کنید هرکسی با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرد، از آقایانی که می‌گویند: "ما شیعه بودیم و الآن موحد شدیم"، از این افراد سؤال کنند: شما قبل از اینکه موحد بشوید، ناموستان مورد تجاوز دیگران بوده است؟!

آیا منطق دین این است؟! آیا منطق اسلام این است؟! وای بر شما با این اسلامتان! این افراد در حال حاضر بسیار عصبانی هستند، حتی این دو سه هفته اخیر اهانت‌ها و فحاشی‌های شدیدی به نوامیس ائمه طاهرين (علیهم السلام) نسبت می‌دهند.

یکی از این کارشناسان وهابی می‌گفت: "بروید در توالت‌ها بنویسید و علیه نظام جمهوری اسلامی تظاهرات کنید"، اما یک نفر برای حرف‌های او ارزش قائل نشد. همچنین در زمانی دیگر می‌گفتند: "عالمان اهل سنت

نباید در جلسات وحدت شرکت کنند؛ اما همه شرکت کردند. آنها ویژه برنامه‌ای با موضوع اعدام افرادی که علمای اهل سنت را کشته بودند، گذاشتند و داد و فریاد کردند؛ اما دیدند هیچکسی به این افراد جواب ندادند و اصلاً این افراد را آدم حساب نکردند.

من از عزیزان اهل سنت تقاضا دارم جواب بی‌حیایی این وهابیان را بدهند. من از حوزه‌های علمیه اهل سنت و اساتید بزرگوار آنان، طلبه‌های فاضل اهل سنت و دانشجویان عزیز تقاضا دارم جواب بی‌حیایی این افراد را بدهند. اگر عزیزان اهل سنت جواب این افراد را ندادند و چند نفر از شیعیان نتوانستند خودشان را کنترل کنند و وارد خط قرمزها شدند؛ گلایه نکنند. اگر شیعیان خانه‌های شیشه‌ای را با یک ریگ ویران کردند، کسی گلایه نکند. ما انتظار داریم اول اهل سنت جواب بی‌حیایی این افراد را بدهند و دیگر نیازی نباشد که بچه شیعه‌ها وارد این میدان شوند.

تفصیل مطالب این برنامه:

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما خوبان، بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت». با برنامه زنده «حبل المتین» مهمان منازل شما هستیم.

از آنجایی که والده مکرمه آقای اسماعیلی عزیز به رحمت خدا رفتند، بنده امشب در خدمت شما بزرگواران و عزیزان هستم.

از تمام عزیزانی که این برنامه را به صورت زنده و یا بازپخش آن را مشاهده می‌کنند، تقاضا داریم فاتحه‌ای را نثار روح مادر عزیز، کریم و بزرگوار آقای اسماعیلی بفرستید.

انشاءالله ایشان غریق رحمت الهی باشند و با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) محشور شوند، زیرا که چنین فرزندی را تحویل جامعه شیعی دادند.

امشب در خدمت استاد عزیز و ارجمند و همچنین ریاست محترم «شبکه جهانی ولایت» آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. به نیابت از شما عزیزان و خوبان خدمت استاد عزیز عرض سلام و ادب و احترام داریم. استاد سلام علیکم و رحمة الله:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران خاص و از سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم توفیق خدمتگزاری و شهادت در رکابش نصیب ما بگرداند، حوائج ما و شما را برآورده کند و دعاها را به اجابت برساند، انشاءالله.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. عزیزانی که در جلسات گذشته با برنامه «حبل المتین» همراه بودند، می‌دانند چه مسائلی مطرح شد.

استاد عزیز در خصوص استدلال و اعتقاد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ادله‌ای که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برای امامت و خلافت بلافضل خودشان در دورانی که بعد از نبی مکرم اسلام بود، مطالبی را فرمودند؛ روایاتی را بیان کردند.

آن حضرت در این روایات اثبات کردند که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قائل به امامت خودشان بودند و این مطلب را بارها فرمودند که روایات آن در کتب شیعه و اهل سنت موجود است.

فکر می‌کنم حق مطلب واقعاً در این قضیه ادا شد و تیر وهابی‌ها در خصوص مطرح کردن این شبهه به سنگ خورد.

موضوع هفته گذشته به بحث خمس رسید و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عباراتی در این خصوص داشتند. مطالبی که کتب اهل سنت در مورد خمس دارند را حضرت استاد در هفته گذشته مطرح کردند.

دوست دارم حضرت استاد برای آن دسته از عزیزانی که هفته گذشته برنامه را ندیدند و یا دیده‌اند و دوست دارند یادآوری شود، خلاصه‌ای از مطالب جلسه گذشته را بفرمایند تا ان شاءالله طرح سؤال جدید خواهم کرد.

خلاصه ای از مطالب جلسه گذشته!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر.

ما در جلسه در رابطه با استدلال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر افضلیت خودشان و حقانیت خودشان مطالبی بیان کردیم که آن حضرت استناد فرموده بودند. در ادامه مباحث به موضوع خمس رسیدیم.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: غیر از من و حضرت زهرا هیچکدام استحقاق اخذ خمس که در حقیقت در ردیف «حق الله» و «حق النبی» آمده است، را ندارید.

(وَ اَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ)

و بدانید آنچه را که سود می‌برید برای خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند اوست.

سوره انفال (۸): آیه ۴۱

به دلیل اینکه خمس در ردیف «حق الله» قرار گرفته است، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را به عنوان یک فضیلت بیان فرمودند. سپس مطالبی را در این زمینه از امیرالمؤمنین آوردیم مبنی بر اینکه خمس حق مسلم اهلبیت و بنی هاشم بوده است.

ما این روایات را از منابع اهل سنت آوردیم؛ از جمله کتاب «صحیح مسلم» حدیث ۴۵۷۷ و «مسند احمد بن حنبل» جلد چهارم صفحه ۱۰۵ و از کتاب «سنن ابی داوود» به قلم آقای «البانی» حدیث ۲۹۷۸ را نقل کردیم.

در روایات نامبرده وارد شده است که خمس حق مسلم اهلبیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) بوده است. آنچه مطلب جالب و مهمی بود که ما مطرح کردیم، بحث غنیمت بود؛ آقایان وهابی ادعا کردند غنیمت تنها مربوط به غنائم جنگی است!!

ما در جواب این ادعا بیان کردیم که غنیمت نه تنها شامل غنائم جنگی می‌شود، بلکه شامل سود تجارت و زراعت یا مشاغل دیگر می‌شود. همچنین روایاتی از کتب لغت و کتب تفسیری آوردیم.

در ادامه روایتی از آقای «آلوسی» که مورد قبول تمام آقایان هست، آوردیم. ایشان می‌نویسد:

«وغنم فی الأصل من الغنم بمعنی الربح»

غنیمت در ریشه و لغت به معنای سود است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۰، ص ۲، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

در این روایت بیان شده است که ربح به معنای سود است، حال این سود از هرجایی که بیاید مشکلی ندارد. بنابراین ما این مباحث را مفصل مطرح کردیم.

اساسی‌ترین مطلبی که در جلسه گذشته مطرح کردیم، این است که در جواب آقایانی که می‌گویند: "خمس تنها در غنایم جنگی است"؛ روایتی از کتاب «صحيح بخاری» آوردیم. این کتاب معتبر عزیزان اهل سنت است و تقاضا دارم عزیزان به این روایت خوب دقت کنند.

«وقال مالک وبن إدريس الرّكازُ دَفْنُ الْجَاهِلِيَّةِ فِي قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ الْخُمْسُ وَلَيْسَ الْمَعْدِنُ بِرِكَازٍ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ فِي الْمَعْدِنِ جُبَّازٌ وَفِي الرّكازِ الْخُمْسُ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۲، ص ۵۴۵، ۶۵ باب في الرّكازِ الْخُمْسُ

در این روایت به صراحت بیان شده است که در تمام اشیایی که از معدن استخراج می‌شود و همچنین «درّ» که از دریا استخراج می‌شود، خمس قرار دارد و در دریا هم برای به دست آوردن این اشیا نمی‌جنگند.

نکته مهم اینجاست که در تمام عزیزان اهل سنت که در داخل یا خارج از کشور در معدن مشغول به کار هستند، حال چه معدن شن باشد، چه معدن طلا باشد، چه معدن سنگ‌های قیمتی است؛ طبق فرمایش پیغمبر اکرم به تمام این موارد خمس تعلق می‌گیرد.

اگر خمس ندهند، فردای قیامت مسئول هستند. متأسفانه علما برای اینکه نیایند بگویند که خمس بدهید تا شبیه شیعیان بشوید، خمس را ممنوع اعلام می‌کنند.

علمای اهل سنت خیال می‌کنند به دلیل اینکه شیعیان قائل به خمس است، اگر ما هم به اهل سنت بگوییم: "خمس این موارد را بدهید" با مشکل مواجه می‌شوند.

همچنین از کتاب علمای بزرگ اهل سنت از جمله «عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری» روایتی در مورد «رکاز» که شامل تمام اشیای زیرزمینی است، آوردیم. در این روایت بیان شده است:

«مَسْأَلَةُ الرَّكَازِ، وَفِيهِ وَجُوبُ الْخَمْسِ وَهُوَ إِجْمَاعُ الْعُلَمَاءِ»

علما اتفاق نظر دارند بر اینکه در اشیای زیرزمین خمس وجود دارد

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بدر الدین العینی (المتوفى: ۸۵۵ هـ)،
الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۹، ص ۱۰۳، باب فی الرکاز

در این روایت به صراحت بیان شده است که علمای اهل سنت در این زمینه اجماع دارند. آیا تا به حال علمای شما به شما این مطالب را گفته‌اند؟!

همچنین در کتاب «صحیح البخاری» وارد شده است:

«فِي الْعَنْبَرِ وَاللُّؤْلُؤِ الْخُمْسُ»

در عنبر و لؤلؤ خمس وجود دارد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر،
الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۲، ص ۵۴۴، باب ۶۴ باب ما

یَسْتَخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ

آقایان اهل سنت ما از شما سؤال می‌کنیم: آقایانی که به کارهای دریایی مشغول هستند و از دریا شیئی قیمتی استخراج می‌کنند، آیا تا به حال خمس آن را پرداخت کرده‌اند؟!

آقایانی که در معدن مشغول به کار هستند، آیا تا به حال یک بار نزد علمای خود رفته‌اند که بگویند: "ما در معدن کار می‌کنیم، از معدن اینقدر سود به دست آوردیم، آیا به اموال ما خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟!"

حتی اگر این افراد در معدن شن هم مشغول به کار شوند. معدن شن، معدنی است که حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ متر زیر زمین هم شن وجود دارد. زمانی که از این معدن استفاده می‌کند، دیگر به سود مربوط نیست.

این شخص حتی اگر یک ماشین باری بفروشد، ۲۰ درصد از درآمد او خمس مال اوست که باید آن را پرداخت کند. آیا آقایان تا به حال خمس این اموال را پرداخته کرده‌اند؟!

آیا کارشناسان شبکه‌های شیطانی که مرتب شعار می‌دهند: "مراجع خمس را ایجاد کرده‌اند تا از این طریق امرار معاش کنند و پول‌های کلانی به دست بیاورند"، تا به حال یک مرتبه گفته‌اند: «**فِي قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ الْخُمْسُ**»؟!

جناب آقای حسینی ما در جلسه گذشته این مطالب را بیان کردیم و روایاتی از نبی گرامی اسلام خطاب به حاکمان قبایل بیان کردیم مبنی بر اینکه: نماز بخوانید، زکات بدهید و خمس مال خودتان را پرداخت کنید؛ حال آنکه آن افراد اهل جهاد نبودند.

این مطالب، مباحثی بود که ما در جلسه گذشته بیان کردیم.

مجری:

حضرت استاد بسیار ممنونم. در مورد شبکه‌های وهابی اشاره‌ای داشتید؛ افرادی که طبق اعتراف خودشان سرقت می‌کنند اما اجازه نمی‌دهند مسلمانان خمس مال خودشان را پرداخت کنند.

در حال حاضر عالمان امارات برای ارتزاق خودشان یک سری مسائل و شبهاتی را در این خصوص مطرح می‌کنند. اگر لطف بفرمایید مقداری در مورد شبهاتی که وهابیت در مورد خمس مطرح می‌کنند، توضیح بفرمایید از شما ممنونم.

دزدی، چپاول و خبثات درونی و ذاتی وهابی‌ها!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جلسه قبل در مورد آقایانی که می‌فرمایید دزدی و چپاول می‌کنند، روایت زیبایی از کتاب «مسند ابن ابی شیبیه» خواندیم. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«من انتهب نهبه فليس ميتا»

از ما نیست کسی که اموال مردم را چپاول کند.

مسند ابن ابی شیبیه، اسم المؤلف: أبی بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیبیه، دار النشر: دار الوطن - الرياض -

۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی و أحمد بن فرید المزیدی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۸۹۰

نویسنده در ادامه بیان کرده است که سند این روایت معتبر است و مشکل سندی ندارد!!

اگر شما بیایید حرف عالم جلیل القدر جهان اسلام را که می‌گوید: "این افراد اموال ما را دزدیدند و این‌ها دزدان دریایی هستند"، طبق روایت نبی گرامی اسلام، این افراد مسلمان نیستند.

بنابراین آقایان وهابی باید خودشان از ۷۳ فرقه اسلامی، همان‌طوری که «ابن تیمیه» بیرون رفته است، بیرون بروند و تکلیف خودشان را مشخص کنند که به کدام سمت می‌خواهند بروند.

این افراد اخیراً با اسرائیل و یهود صمیمی شده‌اند و روابط حسنه پیدا کرده‌اند. این افراد عمری ادعا می‌کردند: "شیعه با یهود ارتباط تنگاتنگ دارد!!" همچنین آقای «کالکرابی» در برنامه دیشب خود می‌گفت: "علمای شیعه با یهود عهد و پیمان دارند!!"

ای مردم! عزیزان اهل سنت! جوانان وهابی! شما بیایید داوری کنید. آیا شیعه با یهود ارتباط دارد، یا سران وهابی و کارشناسان شبکه‌های شیطانی صهیونیستی؟! خیلی عجیب است.

روایتی از امام صادق (علیه السلام) بیان شده است که حضرت می‌فرماید: هرکسی حرمت مؤمنی را بشکند، خداوند عالم او را رسوا می‌کند، ولو در درون خانه‌اش!

عجیب است همین دیشب آقای «کالکرابی» گفت: "در ایران بیش از دو میلیون فرزند نامشروع وجود دارد!" اینکه او این آمار را از کجا می‌آورد کار نداریم. بلافاصله یکی از آقایان تماس گرفت و گفت:

"آقای حیدری راست می‌گویید. یکی از این اشخاص مجهول الهویه خود ایشان است که از کالکراب به آنجا مهاجرت کرده است!"

خداوند عالم جواب او را می‌دهد و او هیچ کاری هم نمی‌تواند بکند.

مجری:

حضرت استاد قسمت دوم آن را هم پخش نکردید، ولی هر زمانی که شما اجازه بدهید ما پخش خواهیم کرد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نه آن قسمت فعلاً پخش نشود بهتر است. ما مقداری نسبت به عفت عمومی حساس هستیم. در آن قسمت مطالب زشت و نادرستی از زبان عالم منطقه و پدر عالم منطقه بیان شده است که این شخص را معرفی می‌کند.

مجری:

ایشان از زندگی او کاملاً باخبر است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما که در آشپزخانه یا طویله حرف نمی‌زنید، بلکه در یک شبکه ماهواره‌ای حرف می‌زنید! او در ادامه می‌گوید:
"البته این آمار خیلی هم زیاد نیست. از میان ۷۰ میلیون نفر ۲ میلیون نفر آنان مجهول‌الهویت باشد خیلی هم زیاد نیست."

البته باید آقای «عقیل بی‌عقل» را هم به این افراد مجهول‌الهویت اضافه کرد؛ زیرا ایشان گفت: "نسب من به هاشم می‌رسد!"، با مراجعه به کتاب نسب هاشمی معلوم شد که نسب این شخص نادرست است.

آقایانی که مرتب نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جسارت می‌کنند و خون‌کشته‌های جنگ جمل و صفین را به عهده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌اندازند؛ حتماً یکی از مجهول‌الهویت‌ها هم ایشان هستند.

آقای بی‌حیا و هتاک و بی‌شرم که ما یقین داریم اگر آزمایش «DNA» بدهد، کاملاً هویت او مشخص می‌شود؛ نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ادعا می‌کند که ایشان از ناموسشان دفاع نکردند.

این شخص پست فطرت و اژه وقیحی که حتی لات‌های بی‌سروپا و حرامزاده‌ها نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به کار نمی‌برند، نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به کار برد!!

حتماً یکی از افراد مجهول‌الهویت‌ها همین افرادی است که آقای «حیدری» اطراف خود جمع کرده است. از میان این دو میلیون نفر که «کالکراپی» بیان کرده است، حدود ۱۵ نفر آنان مشخص شد؛ حال باید در جستجوی افراد دیگر باشیم.

به خاطر اینکه شما دلیل ندارید و بینه اقامه نکردید، ما تنها قدر متیقن را می‌پذیریم و نسبت به آنچه مشکوک است، اصالت البرائه عقلیه جاری می‌کنیم.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

از شما ممنونم. در خصوص شبهاتی که آقایان وهابی راجع به خمس مطرح می‌کنند، مطالبی بفرمایید.

دیدگاه «ابن تیمیه» در رابطه با مسئله خمس!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این زمینه صحبت بسیار زیاد است، ما نمی‌دانیم تا کجا برسیم. دوستان عزیز! آقایانی که از آنان به «شیخ الاسلام» تعبیر می‌کنند، به نظرم اگر آنان را «شیخ الشیطان» خطاب کنند به شیطان توهین شده است. مایه ننگ شیطان است که بیاید استاد چنین افرادی شود.

شاید این افراد از آن دست افرادی هستند که شیطان زمانی که به مشکل می‌خورد، از این افراد مقداری قرض بگیرد.

«ابن تیمیه» می‌گوید: گاهی اوقات شیطان به صورت من درمی‌آید و مردم را گمراه می‌کند. اگر واقعاً ایشان عاقل باشد که ما در عاقل بودن ایشان شک داریم، «اقرار العقل علی أنفسهم جایز!»

به نمونه‌ای از حرف‌های بی‌اساس این شخص توجه کنید. در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد ششم نوشته است:

«وأما الخمس فقد اختلف اجتهاد العلماء فيه»

اجتهاد علما در رابطه با خمس اختلاف دارند،

«فقال طائفة سقط بموت النبي»

زیرا طایفه‌ای گفتند: حکم الله با رحلت پیغمبر اکرم تمام شد.

امروز خمس را اسقاط می‌کنید، فردا منکر نماز می‌شوید و روز دیگر از حج جلوگیری می‌کنید. شما و اجداد پست و رذلتان در قرآن و همان شجره ملعونه به دنبال این هستید که اسلام را نابود کنید.

پیغمبر اکرم از دنیا رفت، آیا نستجیر بالله خداوند متعال هم از دنیا رفته است؟! حتماً به قول شما پیغمبر اکرم قبل از اینکه از دنیا برود، با هفت تیر خداوند متعال را کشت!! و اهل بیت (علیهم السلام) را هم شما کشتید.

حتماً ظاهر قضیه به این صورت بوده است که خمس ساقط شده است. پیغمبر اکرم از دنیا رفت و قبل از رحلت خداوند متعال هفت تیری به دست ایشان داد و ایشان خدا را کشت. اهل بیت (علیهم السلام) را هم اجداد شما بنی امیه کشتند.

«ولا يستحق أحد من بني هاشم شيئاً بالخمس»

هیچ فردی از بنی هاشم حق گرفتن خمس را ندارند.

اگر این‌طور است، آقای «ابن تیمیه» این غنایم جنگی که ابوبکر و عمر آن را تقسیم کردند و به واسطه آن «مروان» و «طلحه» و «زبیر» میلیارد شدند که ما تمام این روایات را از منابع اهل سنت آوردیم؛ از کجا آمده است؟! چیزی بگویید که مرغ پخته نخندد!

«وقالت طائفة بل الخمس إلى اجتهاد الإمام يقسمه بنفسه في طاعة الله ورسوله»

عده دیگری می گویند که خمس به اجتهاد امام مربوط می شود. هر گونه که خواست می تواند در اطاعت خداوند و رسولش تقسیم بکند.

حالا این امام چه کسی است؟! «یزید بن معاویه» یا «ولید» است؟! آیا کسانی هستند که شراب می خورند و به دلیل اینکه سرحال و مست هستند، نماز صبح را چهار رکعت می خوانند و می گویند: "اگر بخواهید حاضر بیشتر هم نماز بخوانم"؟!

سپس او در این قسمت از روایت پایچ شیعه می شود. من معتقدم امثال «ابن تیمیه» و اتباع او اصلاً لیاقت اینکه نام شیعه را ببرند، ندارند! آنان لیاقت اینکه کفش علمای شیعه و حتی شیعیان عوام را هم جفت کنند یا با زبانشان بخواهند زیر نعلین شیعه را پاک کنند، ندارند!

حال این شخص می خواهد در مورد شیعه اظهار نظر کند! دروغ های این شخص او را در جهان رسوا کرده است به طوری که کارشناسان شبکه های وهابی هم دیگر حاضر نیستند از او طرفداری کنند.

ان شاء الله خداوند جزای خیر به آقای یزدانی بدهد، زیرا ایشان کار بزرگی انجام دادند. با تلاش های ایشان دروغ های «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» در تاریخ ماندگار شد و وهابیت نتوانستند جواب بدهند.

هرکسی اسم «ابن تیمیه» را می برد سریع تلفن را قطع می کردند و این نهایت افتضاح آنان در شبکه های وهابی است. این افراد فردای قیامت جواب خداوند متعال را چه می دهند؟!

گیرم که خلق را به فریب فریفتی

با دست انتقام طبیعت چه می کنی

ابن تیمیه در ادامه نوشته است که رافضی می گوید: خمس مکاسب مسلمین از این افراد گرفته می شود، نایب امام معصوم آن طوری که صلاح می داند این اموال را مصرف می کند.

«فهذا قول لم يقله قط أحد من الصحابة»

یک نفر از صحابه در این زمینه چنین حرفی نزده است.

این لؤلؤ عنبر و معدن کاری جزو مشاغل و مکاسب حساب می‌شود یا نه؟! تمام فقهای اهل سنت از جمله «ابن عباس» و «عبدالله بن مسعود» و «مالک» فتوا داده‌اند که در مشاغلی مانند معدن خمس وجود دارد. آیا معدن کسب است یا کسب نیست؟!

این افراد دروغ‌های شاخ‌داری می‌گویند! او می‌گوید: "احدی از صحابه و تابعین نگفته است مکاسب مسلمین خمس دارد!"

«وکل من نقل هذا عن علی أو علماء أهل بيته كالحسن والحسين وعلی بن الحسين وأبی جعفر الباقر وجعفر بن محمد فقد كذب علیهم»

تمام روایاتی که از علی و علمای اهل بیت از جمله امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر و امام صادق نقل می‌کنند، همگی دروغ است.

ببینید این فرد بی‌حیایی را به کجا رسانده است! یک مرتبه می‌گوید: "ما چنین روایاتی نداریم" و در مرتبه بعد می‌گوید: "تمام روایاتی که از امامان نقل کرده‌اند دروغ است." سپس می‌گوید:

«فإن هذا خلاف المتواتر من سيرة علی رضی الله عنه»

از سیره علی روایات متواتری داریم که اصلاً چنین چیزی نبوده است.

«فإنه قد تولى الخلافة أربع سنين وبعض أخرى ولم يأخذ من المسلمين من أموالهم شيئاً»

امیرالمؤمنین چهار سال خلیفه بوده است و در این مدت از احدی از مسلمانان اموالی به عنوان خمس دریافت نکرده است.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة -
١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ٦، ص ١٠٦

به روایات این شخص نگاه کنید! آیا این فرد «شیخ الاسلام» شماست؟! این اسلام و این شیخ پیشکش شما باشد؛ ما چنین اسلامی که «ابن تیمیه» به این صورت آن را مطرح می‌کند را قبول نداریم.

خدایی که شماها ادعا می‌کنید که سنگی می‌آفریند و خودش نمی‌تواند آن را بلند کند، هزار خدا همانند خود را می‌آفریند، به پیغمبر خود هفت تیر بدهد تا خدا را بکشد؛ پیشکش شما باشد!

آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از کسی خمس دریافت کرده است؟!

اجازه بدهید در اینجایی که ایشان گفته است: «**خلاف المتواتر من سیرة علی رضی الله عنه**» نکته‌ای را برای شما بیاورم. ایشان می‌گوید: "اجماع داریم بر اینکه امیرالمؤمنین در دوران خلافت خود خمس دریافت نکرده است!" به جهت اینکه ثابت کنم حرف این شخص دروغ است و او شیخ الکذابین است، روایتی از کتاب «سنن کبری» جلد چهارم اثر «بیهقی» متوفای ٤٥٨ هجری می‌آورم. ایشان در این روایت می‌گوید:

«جاء رجل إلى علی رضی الله عنه فقال إني وجدت ألفا وخمس مائة درهم فی خربة فی السواد»

شخصی نزد امیرالمؤمنین آمد و عرض کرد: من در خرابه‌ای در سواد ١٥٠٠ درهم پیدا کرده‌ام آن را چکار کنم؟

دوستان شما قضاوت کنید! جوانان غیور وهابی و جوانان باوجدان اهل سنت شما قضاوت کنید و من چیزی نمی‌گویم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جواب این شخص فرمودند:

«فلک أربعة أخماسه ولنا الخمس»

چهار پنجمش مال خودت و یک پنجم این پول مال ماست.

سپس حضرت مشاهده کردند که این شخص از نظر مالی اوضاع خوبی ندارند، سپس فرمودند: خمس مال را هم به تو بخشیدم.

آیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خمس دریافت نکرده‌اند و در رابطه با خمس حرفی نزده‌اند؟!

«قال الشافعی قد رووا عن علی رضی الله عنه یاسناد موصول أنه قال أربعة أخماسه لك»

شافعی می‌گوید: حضرت علی (علیه السلام) چهار پنجم این اموال را به شخص دادند و یک پنجم آن را میان فقرا تقسیم کردند.

سنن البیهقی الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر البیهقی، دار النشر: مكتبة دار

الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۷۴۴۴

مطلب از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟! شما چه چیزی می‌خواهید؟! این مطالب از کتب اهل سنت بود، حال اجازه بدهید روایتی از کتب شیعیان بیان کنم.

در کتاب «وسائل الشیعه» جلد نهم صفحه ۵۰۶ روایتی بیان شده است که می‌گوید:

شخصی نزد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مالی به دست آورده‌ام که برای جمع کردن آن خیلی حلال و حرام را رعایت نکرده‌ام. آیا می‌توانم توبه کنم؟! حضرت فرمودند:

«أَتَيْنِي بِخُمْسِهِ»

خمس آن مال را بیاور و به من بده

دوستان عزیز ما این کتاب را الآن ننوشته‌ایم. کتاب «وسائل الشیعه» روایت را از «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هجری در کتاب «من لا یحضره الفقیه» جلد ۲ صفحه ۲۲ حدیث ۸۳ نقل کرده است.

افرادی که شبانه روز فریاد می‌کنند و می‌گویند: "مراجع شیعه روایات را جعل کرده‌اند"، دقت کنند که این روایت از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است که ایشان می‌فرمایند:

«أَتْنِي بِخُمْسِهِ»

خمس مال خود را به من بده!

«فَقَالَ هُوَ لَكَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَابَ تَابَ مَالُهُ مَعَهُ»

این شخص خمس مال خود را به امیرالمؤمنین پرداخت کرد.

وسائل الشیعه؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۹، ص

۵۰۶، ح ۱۲۵۹۳

وهابیت که حیا نمی‌کنند ادعای دروغ می‌کنند؛ به این روایت از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دقت کنند. آنان روایتی بهتر از این می‌خواهند!؟

همچنین در روایت دیگری در کتاب «وسائل الشیعه» آمده است که در کتاب «تهذیب» اثر «شیخ طوسی» متوفای ۴۶۰ هجری جلد چهارم صفحه ۱۲۴ حدیث ۳۵۸ و صفحه ۱۳۸ حدیث ۳۹۰ وارد شده است. این روایت از امام صادق (علیه السلام) است. ایشان می‌فرماید:

مردی خدمت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: من اموالی به دست آورده‌ام که خیلی به حلال و حرام آن دقت نکرده‌ام. چکار کنم؟! حضرت فرمودند: خمس مالت را خارج کن و مابقی برای تو حلال است.

همچنین روایت دیگری در کتاب «وسائل الشیعه» حدیث ۱۲۵۹۴ از کتاب «کافی» جلد ۵ صفحه ۱۲۵ حدیث ۵ اثر «کلینی» متوفای ۳۲۹ نقل شده است. حضرت می‌فرماید:

«تَصَدَّقْ بِخُمْسِ مَالِكَ فَإِنَّ اللَّهَ رَضِيَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْخُمْسِ وَ سَائِرُ الْمَالِ لَكَ حَلَالٌ.»

خمس مال خود را به عنوان حق الله پرداخت کن و مابقی مال برای تو حلال است.

وسائل الشیعه؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۹، ص

۱۲۵۹۴، ح ۵۰۷

آقایان دیگر آن زمان گذشت که شما یک سری از خودتان چرندیات می‌بافتید. من از بینندگان عزیز خیلی معذرت می‌خواهم، اما شما خیال می‌کنید در یک طویله نشسته‌اید و در و دیوار بسته است.

شما در یک شبکه ماهواره‌ای حرف می‌زنید که میلیون‌ها نفر حرف شما را می‌شنوند. حداقل بگویید: "ما خبر نداریم!"

همچنین روایت مفصلی از آقا امام جواد (علیه السلام) که در ایام شهادت آن امام بزرگوار قرار داریم، در کتاب «تهذیب الاحکام» بیان شده است. البته من روایات را به صورت مفصل عرض خواهم کرد، اما در اینجا فقط می‌خواهم ثابت کنم که «ابن تیمیه» دروغ می‌گوید.

«ابن تیمیه» شیخ الکذابین است و خود او بنیانگذار دروغ و دروغ‌گویی است. تمام وجود «ابن تیمیه» اعم از رگ و پوست و استخوان او مملو از دروغ است!! این روایت نمونه‌ای از دروغ‌های اوست.

در کتاب «تهذیب الاحکام» جلد چهارم صفحه ۱۴۲ روایت مفصلی بیان شده است. حضرت می‌فرماید: به تمام غنایم و فواید و هر فایده‌ای که می‌برید و جایزه‌ای که از افراد دیگر دریافت می‌کنید خمس تعلق می‌گیرد.

«فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَلْيُوصِلْهُ إِلَيَّ وَكَيْلِي»

هرکسی وجوه شرعی و خمسی به گردن دارد، به وکیل من بدهد.

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۴، ص ۱۴۲، ح

۲۰

مراجع تقلید ما وکلای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و ما در این زمینه دهها روایت از امام صادق (علیه السلام) و امام حسن عسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل شده است.

«نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرِضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»

او به حلال و حرام ما نظر می‌کند و احکام ما را می‌شناسد و تسلیم آنهاست. من او را حاکم بر شما قرار داده‌ام.

الكافی؛ کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰

و:

«مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ»

از فقهاء هر کس با تقوا باشد و مواظب دین و آخرتش باشد و با هوای نفس خویش مبارزه کند و از اوامر مولای خود تبعیت کند، بر مردم عوام لازم است که از ایشان تقلید کنند.

بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۲، ص ۸۸، ح ۱۲

این روایات هم از ائمه طاهرين (عليهم السلام) برای تثبیت موقعیت مراجع شیعه وجود دارد. امام جواد (علیه السلام) که ان شاء الله فدایشان بشوم در این روایت می‌فرمایند:

«فَلْيُوصَلْ إِلَيَّ وَكَيْلِي»

اگر نمی‌توانید خمس مالتان را به ما برسانید، به وکیل ما بدهید.

دیگر چه مطلبی از این واضح‌تر بیان کنیم!؟

شیخ فاسد لس آنجلسی؛ آبروی افغانی‌ها را برده است!!

شیخ لس آنجلسی افغانی آبروی افغانی‌ها را برده است. من در سفر اخیری که به نجف داشتم، خدمت حضرت آیت الله العظمی فیاض رسیدم که ایشان از مراجع بزرگوار افغانستان است.

خدا می‌داند من یک ساعت خدمت ایشان بودم و از این دیدار لذت بردم. واقعاً ایشان افتخار مردم افغانستان است؛ اما «اللهیاری» ننگ جامعه افغانستان شده است. او می‌گوید: "مردم به مراجع خمس ندهید، این افراد دکان باز کرده‌اند!"؛ از ایشان می‌پرسم این روایات چیست!؟

اگر روایتی از سه عدد تجاوز کند، تبدیل به روایت مستفیض می‌شود و مورد عنایت است. مراجع از زمان «شیخ مفید» که خدمت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است؛ «سید بحر العلوم» که دستش در دست حضرت ولیعصر (ارواحنا له الفداه) بوده است، «مقدس اردبیلی» که چندین بار به خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا فده) مشرف شده‌اند، «سید بن طاووس» که می‌گوید:

"من به قدری خدمت حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیدم که با تن صدای آن حضرت آشنا هستم."؛ آیا این افراد هیچ‌کدام متوجه نشدند و این شخصی که اگر او را دجال خطاب کنیم، به دجال توهین کرده‌ایم متوجه شده است!؟

این شخص که به هرکسی که می‌بیند یک برچسب فساد اخلاقی می‌زند؛ من نمی‌دانم آیا او دین و وجدان و انسانیت ندارد؟!

او به هر مرجعی می‌رسد بلافاصله نسبت‌های زشت اخلاقی می‌دهد. یکی از آقایان می‌گفت: این شخص قیاس به نفس می‌کند! ما چنین جرئتی نمی‌کنیم؛ اما مطمئنم این شخص در آینه نگاه می‌کند و این مطالب را بیان می‌کند.

من بارها گفتم: از نزدیک‌ترین منسوبین ایشان مطالبی در سینه‌ام هست که فقط اگر عفت عمومی به من اجازه می‌داد، بخش‌هایی از این مطالب را بیان می‌کردم تا ایشان دیگر از خجالت جرئت نکند یک حرف بزند!!
من تمام این مطالب را در سینه‌ام نگه داشتم که اگر واقعاً ایشان بی‌حیایی را از حد گذرانند و شرعاً مجوز داشته باشم، این مطالب را به صورت مستند مطرح می‌کنم. من از نزدیک‌ترین رفقای ایشان مطالبی از ایشان دارم که رسوایی او را جهانی خواهد کرد.

من دومرتبه ایشان را نصیحت می‌کنم و خطاب به ایشان می‌گویم: "اگر بحث علمی داری مطرح کن، اما اینکه به هرکسی می‌رسی نسبت فساد اخلاقی می‌دهی؛ تک تک این افتراها تعذیر دارد!"

زمانی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیایند، یقین داشته باشید اولین کسی که مورد تعذیر قرار خواهد داد، همین شیخ فاسد لس آنجلسی است.

با کسانی که نمی‌دانند کار نداریم، اما خطاب به کسانی که می‌دانند، بیان می‌کنم: "نهایت حماقت و خریّت است که کسی از چنین شخص هتاک‌ی که به هرکسی نسبت ناروا می‌دهد؛ تعریف کند."

این شخص دست «عمر و عاص» که توطئه‌های بزرگی در حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌کرد را از پشت بسته است. بنابراین مشاهده کردید که «ابن تیمیه» چه مطالبی را بیان کرد. ان شاء الله ما این روایات را به طور مفصل در جلسات بعد مطرح خواهیم کرد.

ابن تیمیه در ادامه در کتاب «منهاج السنة» بحث‌هایی را مطرح می‌کند و بعد می‌گوید:

«فهذا هو الزهد في اللذات و المال الذي لا يدانيه فيه أحد من الصحابة لا على و لا غيره»

این همان زهد در لذت‌ها و در مالی است که هیچ کسی از صحابه، از علی و دیگران نزدیک آن نشده اند

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ٤٨٣

او در این روایت بیان می‌کند که نه علی بن ابی طالب (علیه السلام) چنین حرفی زده است و نه غیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین حرفی زده‌اند. سپس می‌گوید: نبی مکرم اسلام هم از یک نفر اموال مسلمین را طلب نکرده است!

در زمانی که نبی گرامی اسلام به پیغمبری مبعوث شدند، مردم از لحاظ مالی زیر صفر بودند و درآمدی به آن صورت نداشتند. زمانی که هجرت از مکه شروع شد، تمام مردم مدینه اموال و ثروتشان را در میان مهاجرین تقسیم کردند که آن مطالب را بیان خواهیم کرد.

سرنوشت غم بار سنت پیغمبر، بعد از رحلت ایشان!

سرنوشتی که سنت پیغمبر اکرم بعد از رسول الله پیدا کرد را مشاهده کنید. به ما بگویید محتوای ۵۰۰ روایت رسول گرامی اسلام که خلیفه اول آن‌ها را به آتش کشید، چه بود؟!

من می‌خواهم ادعا کنم که از میان این ۵۰۰ روایت، ده روایت وجود داشت که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مردم خمس دریافت کرده بودند. شما آن ۵۰۰ روایتی که آنها به آتش کشیدند بیاورید تا ما قضیه را روشن کنیم.

همچنین خلیفه دوم روایاتی را جمع کرد و به آتش کشید. دیگر نگذارید بیشتر از این به خطوط قرمز نزدیک شویم. البته ما بحث علمی مطرح می‌کنیم و قصد توهین و جسارت نداریم.

مشاهده کنید در حدود ۱۵ سال صدر اسلام سرنوشت سنت پیغمبر اکرم به کجا رسیده است که آقایان به صراحت می‌گویند: "سنت پیغمبر اکرم نابود شد و غیر از نماز چیز دیگری برای من نمانده است!"

«أنس» و «مالک» به دلیل نابودی سنت پیغمبر اکرم گریه می‌کنند. من دیشب روایتی از «محمد بن عبدالوهاب» پیدا کردم که تا به حال ندیده بودم و خیلی برایم جالب بود. آقای «کالکرابی» اگر واقعاً مرد هستی به این روایت جواب بده!!

در کتاب «تاریخ ابی زرعہ دمشقی» روایتی از خلیفه دوم نقل می‌کند و می‌نویسد:

«سَمِعَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ يَقُولُ: إِنَّ حَدِيثَكُمْ شَرُّ الْحَدِيثِ، إِنَّ كَلَامَكُمْ شَرُّ الْكَلَامِ»

شنیدم عمر بن خطاب به صحابه می‌گوید: حدیث شما شر الحدیث است و کلام شما شر الکلام است.

«فَلْيَقُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، وَإِلَّا فَلْيَجْلِسْ»

هرکسی می‌خواهد حرف بزند از قرآن حرف بزند یا اینکه ساکت بنشیند.

تاریخ ابی زرعہ دمشقی، المؤلف: عبد الرحمن بن عمرو بن عبد الله بن صفوان النصرى المشهور بأبى زرعة
الدمشقى الملقب بشيخ الشباب (المتوفى: ۲۸۱ هـ)، رواية: أبى الميمون بن راشد، دراسة وتحقيق: شكر الله نعمة

الله القوجانى، الناشر: مجمع اللغة العربية - دمشق، ج ۱، ص ۵۴۳

این مهم نیست؛ شاید آقایان بگویند: "روایت است و حالا شاید اشتباه کردند!"

«ابن حزم أندلسی» که الگوی «ابن تیمیه» است و او در کتاب «منهاج السنة» چندین مرتبه از او تجلیل کرده است؛ در کتاب «الإحکام فی أصول الأحکام» که کتابی اصولی و اجتهادی است، صفحه ۹۸ این حدیث را نقل می کند که عمر گفت:

«إن حدیثکم شر الحدیث إن کلامکم شر الکلام»

حدیث شما شر الحدیث است و سخنان شما شر السخن است.

سپس در ادامه مطالبی می گوید که گمان می کنم اگر آقای «کالکرابی» و «عقیل بی عقل» از خجالت بمیرند، جا دارد. «ابن حزم» می گوید:

«فهذا قول عمر لأفضل قرن علی ظهر الأرض»

سخن عمر بن خطاب که می گوید: حدیث شما شر الحدیث است، برای بافضیلت ترین قرن در کره زمین است.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: «خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي»؛ «ابن حزم» می گوید:

عمر بن خطاب در مورد خیر القرون می گوید: حدیث شما شر الحدیث است و کلام شما شر الکلام است.

«فكيف لو أدرك ما نحن فيه من ترك القرآن وكلام محمد صلى الله عليه وسلم»

اگر جناب عمر زمان ما را درک می کرد، مشاهده می کرد که ما قرآن کریم و سخن پیغمبر اکرم را کنار گذاشتیم،

والإقبال علی ما قال مالک وأبو حنیفة والشافعی وحسبنا الله ونعم الوکیل وإنا لله وإنا إليه راجعون»

الإحكام في أصول الأحكام، المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري
(المتوفى: ٤٥٦ هـ)، المحقق: الشيخ أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الآفاق الجديدة، بيروت، ج ٦، ص ٩٨، الباب

التاسع والثلاثون

این حرف آقاي «ابن حزم أندلسي» است. همچنين «ابن قيم» شاگرد ناخلف «ابن تيميه» در كتاب «إعلام
الموقعين» مي گويد:

«فهذا قول عمر لأفضل قرن على ظهر الأرض»

اينکه مي گويد: کلام شما شر الکلام است براي بافضيلت ترين قرن در روي زمين است.

«فكيف لو أدرك ما أصبحنا»

اگر عمر در زمان ما بود چه مي کرديم.

إعلام الموقعين عن رب العالمين، المؤلف: محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، الناشر: دار الجيل -

بيروت، ١٩٧٣، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ج ٢، ص ١٩٤، باب الاتباع و التقليد

او در ادامه مي گويد: "ما كتاب خدا را کنار گذاشتيم، سنت پيغمبر اکرم را کنار گذاشتيم، اقوال صحابه را کنار
گذاشتيم و به قول فلان و فلان عمل کرديم." او همانند «ابن حزم» اسم «ابوحنيفه» و «شافعي» را نمي آورد و
تنها به جاي نام آنها از فلان استفاده مي کند.

حال به اين روايت دقت کنيد، من اين روايت را ديشب پيدا کردم. در كتاب «الرسائل الشخصية» اثر «محمد بن
عبدالوهاب» روايتي از «مالک» در كتاب «موطا» نقل مي کند و مي نويسد:

«مما أدركت عليه الناس إلا النداء بالصلاة»

تمام سنت پيغمبر اکرم رفته است و تنها دعوت به نماز باقي مانده است.

«قال الزهري: دخلت على أنس بدمشق وهو يبكي»

«زهري» می گوید: من پیش «أنس» خادم پیغمبر اکرم رفتم و دیدم گریه می کند.

«فقال: ما أعرف شيئاً مما أدركت إلا هذه الصلاة وهذه الصلاة قد ضيعت»

او گفت: تمام سنت پیغمبر اکرم از دست رفت و تنها نماز باقی مانده بود که نماز را هم از بین بردند.

سپس می گوید:

«قال الطرطوشي رحمه الله: فانظروا رحمكم الله إذا كان في ذلك الزمن طمس الحق، وظهر الباطل»

طرطوشی می گوید: در زمانی که انس خادم پیغمبر اکرم بوده است و هنوز ۵۰ سال از وفات پیغمبر

اکرم نگذشته است، حق نابود شد و باطل ظاهر شده است.

«حتى ما بعرف من الأمر القديم إلا القبلة»

از سنت قدیم غیر از ایستادن به طرف قبله چیز دیگری باقی نمانده است.

«فما ظنك بزمك»

الان وضع ما چیست.

الرسائل الشخصية، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة: الأولى،

تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومي، د . محمد بلتاجي؛ ج ۱، ص ۱۷۹

این مطالب همگی نشانگر این است که یک مباحث و قضایایی است که نمی دانیم مسئله چیست.

در کتاب «صحيح بخارى» روایتی وارد شده است و راوی می گوید: نزد «أنس بن مالك» رفتم و او گفت:

«ما أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا كَانَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ»

از آنچه در زمان پیغمبر اکرم بود اثری باقی نمانده است.

شاید پیغمبر اکرم در زمان خودشان از هزار نفر خمس دریافت کرده باشند و روایت خمس هم داشتند، روایت متعه هم داشتند، روایت امامت هم داشته باشند و به طور کلی تمام عقایدی که مدعی آن هستیم را داشتند.

«قِيلَ الصَّلَاةُ»

گفتم: نماز سنت پیغمبر اکرم که باقی است.

«قَالَ أَلَيْسَ ضَيْعُكُمْ مَا ضَيْعُكُمْ فِيهَا»

گفت: آیا خود نماز را هم نابود نکردیم؟!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،

اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ١٩٧، ح ٥٠٦

آیا پیغمبر اکرم دست بسته نماز می خواندند؟! پیغمبر اکرم به این شکل وضو می گرفتند؟! پیغمبر اکرم سر و پایشان را می شستند؟!

«زهري» می گوید: نزد «أنس بن مالك» رفتم و دیدم گریه می کند. از او علت گریه اش را پرسیدم، او گفت: از سنت پیغمبر اکرم غیر از نماز چیزی باقی نمانده بود و این نماز هم نابود شد و رفت. به قول آقای «ابن حزم» که می گوید: «انا لله و انا اليه راجعون».

دوستان عزیز این کتاب «صحيح بخارى» است و کتاب «کافی» و «بحارالانوار» نیست. آقای «خدمتی» با کمال وقاحت در یک شبکه انگلیسی می‌رود و می‌گوید: "شیعیان اصلاً حدیث ندارند! شیعیان اصلاً سنت ندارند! شیعیان اصلاً رجال ندارند!"

به این روایات نگاه کن و خجالت بکش. والله اگر زیر زمین بروید برای شما بهتر از ماندن بر روی زمین است! دیگر نگذارید صبر و حوصله ما تمام بشود.

خدا می‌داند گاهی اوقات روایاتی از کتب اهل سنت در رابطه با ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) و ظلم به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و مبارزه با سنت پیغمبر اکرم وارد شده است؛ که انسان مبهوت می‌ماند اما ما جرئت بیان کردن آن‌ها را نداریم.

والله گاهی اوقات سینه‌ام از شدت ناراحتی به درد می‌آید. یاد «جابر بن یزید جعفی» می‌افتم که آمد خدمت امام صادق (علیه السلام) و عرض کرد: یا بن رسول الله! احادیثی از پدرتان شنیده‌ام که دارد سینه‌ام را فشار می‌دهد و سینه‌ام درد می‌کنم و دیگر تحمل ندارم.

خدا می‌داند گاهی اوقات من این جمله «جابر بن یزید» را درک می‌کنم. حضرت در جواب او می‌فرمایند: برو در بیابان چاله‌ای بکن و همانجا «قال الباقر» و «قال الصادق» بگو و بگذار عقده دلت خالی شود.

بارها شده است پشت کامپیوتر زمانی که به یک قضایایی می‌رسم، در را محکم می‌بندم و گوشه‌ای می‌نشینم و سیر گریه می‌کنم تا عقده دلم خالی شود و بعد دومرتبه پشت کامپیوتر می‌نشینم.

حالا روایاتی که در کتاب «بخاری» از «زهري» و «مالک بن انس» نقل شده است یکی از نمونه‌های این موارد است. او می‌گوید: سنت پیغمبر اکرم را از بین بردند، غیر از نماز چیزی باقی نمانده بود که آن هم نابود شد و رفت.

از آن مهم‌تر «ابو درداء» که متوفای سال ۳۲ یا ۳۳ هجری است و این هم کتاب «صحيح بخارى» است که این روایت را نقل کرده است.

من به جوانان عزیز اهل سنت و دانشجوها و طلاب گرامی افتخار می‌کنم و پیشانی آنان را می‌بوسم و دست آنان را می‌فشارم و اگر اجازه بدهند دست آنان را هم می‌بوسم؛ اما تقاضا دارم که این روایات را بخوانند و برای مردم نقل کنند. این روایات هم تراث پیغمبر اکرم است.

همسر «ابو درداء» می‌گوید: «ابو درداء» نزد من آمد و دیدم خیلی غضبناک است. از او پرسیدم: چرا غضبناک هستی؟! او در جواب گفت:

« **وَاللّٰهُ مَا أَعْرِفُ مِنْ أُمَّةٍ مُّحَمَّدٍ شَيْئًا إِلَّا أَنَّهُمْ يُصَلُّونَ جَمِيعًا** »

به خدا سوگند از سنت محمد چیزی باقی نگذاشتند و همه را نابود کردند. جز اینکه با هم نماز می‌خوانند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا؛ ج ١، ص ٢٣٢، ح ٦٢٢

این شخص صحابه پیغمبر اکرم است که چنین قسم یاد می‌کند!

عزیزان شافعی! من از دور پیشانی شما را می‌بوسم و تقاضا دارم به این روایت خوب دقت کنید. در کتاب «الأم» تعبیری وارد شده است که می‌گوید:

« **كُلُّ سُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غُيِّرَتْ حَتَّى الصَّلَاةِ** »

تمام سنت‌های پیغمبر اکرم را تغییر دادند حتی نماز را هم تغییر دادند.

الأُم، محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، سنة الوفاة ٢٠٤، الناشر دار المعرفة، سنة النشر ١٣٩٣، مكان النشر بيروت، ج ١، ص ٢٣٥، باب أن يبدأ بالصلاة قبل الخطبه

زمانی که نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»

من دو چیز در میان شما به امانت گذاشتم که آنها کتاب خدا و عترت من هستند.

«مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»

اگر تمسک کردید، هرگز گمراه نمی شوید.

نتیجه تمسک نکردن به امانت های پیغمبر اکرم «كُلُّ سُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غُيِّرَتْ حَتَّى

الصَّلَاةِ» است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را ولی امر و خلیفه قرار بدهید، شما به صراط مستقیم هدایت می کنید.

« وَإِنْ تَسْتَخْلِفُوا عَلَيَّ وَمَا أَرَاكُمْ فَاعِلِينَ تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا »

اگر علی را خلیفه کنید اما گمان نمی کنم شما به حرف من گوش کنید؛ او را هدایتگر هدایت یافته خواهید دید.

جامع الاحادیث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير) ، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي، ج ٣، ص ٢٦٢، ح ٨٥٢١

و یا:

«إِنْ وَلِيْتُمُوهَا عَلَيَّ فَهَادٍ مُهْتَدٍ يَقِيمُكُمْ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ھ - ۱۹۹۰م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۵۳، ح ۴۶۸۵

تنها دهها روایت و تعابیر مختلف در این زمینه وجود دارد؛ آن وقت این شخص در شبکه شروع به داد و بیداد می‌کند. گاهی اوقات یک شخص دروغگو به قدری دروغ‌های خود را با آب و تاب نقل می‌کند تا جایی که خود او هم دروغ‌های خود را باور می‌کند!

همانند شخصی که بارها نقل کردم الاغش را برد در میدان حیوان فروش‌ها بفروشد و آن را به دلال داد. دلال شروع به تعریف کردن حیوان نزد مشتری کرد و گفت: این الاغی که دارم هر دقیقه‌ای ۱۰ کیلومتر راه می‌رود و در ۲۴ ساعت دو مثقال بیشتر جو نمی‌خورد.

صاحب الاغ دید که الاغ او خیلی باارزش است و پولی به دلال داد و گفت: این الاغ را خودم لازم دارم!!

حال این آقایانی که این‌طور از مذهب ساختگی وهابیت و خدای ساختگی که نمی‌تواند سنگی را بلند کند و می‌تواند هزاران خدا همانند خود را بسازد، از خدای موفرفری و الاغ سوار به قدری تعریف می‌کنند که ظاهراً خودشان مشتری همین خدا شده‌اند.

ما انتظار داریم اهل سنت، جواب بی حیایی این افراد را بدهند!

من می‌خواستم کلیپی را پخش کنم که ناراحت هستم نکند آقای «کالکرابی» شروع بکند به تمام شیعیان توهین می‌کند. جوان دیشب راست می‌گفت که یکی از دو میلیون نفر فرزند نامشروع در ایران همین آقای «کالکرابی» است.

من از تمام عزیزان خیلی معذرت می‌خواهم، اما بگذارید عبارت «کالکرابی» را به صورت محترمانه بیان کنم.

«کالکرابی» می‌گوید:

"شیعیان نمی‌توانند از ناموسشان دفاع کنند و همیشه ناموسشان مورد تجاوز دیگران هستند."

من از تمام عزیزانی که با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرند خواهش می‌کنم و شما را به حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قسم می‌دهم که با شبکه‌های شیطانی تماس بگیرند و از آقای «سجودی» بپرسند که آیا حرفی که آقای «حیدری» می‌زند درست است؟!

می‌خواهم از آقای «سجودی» این سؤال را بپرسید به دلیل اینکه پدر و مادر و خواهر و دخترعمو و دخترعمه آقای «سجودی» شیعه هستند.

شما را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) قسم می‌دهم گوش کنید هرکسی با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرد، از آقایانی که می‌گویند: "ما شیعه بودیم و الآن موحد شدیم"، از این افراد سؤال کنید: شما قبل از اینکه موحد بشوید، ناموستان مورد تجاوز دیگران بوده است؟!

شاید هم حرف آقای «حیدری» راست بوده است و این آقایان به همین جهت موحد شده‌اند؛ ما نمی‌دانیم! ما همچنین جسارتی نمی‌کنیم؛ اما اگر این قضیه صحت دارد، موحدین پاسخگو باشند.

بچه شیعه‌ها موظف هستند که از موحدین سؤال کنند: حرف آقای «کالکرابی» که می‌گوید ناموس تمام شیعیان مورد تجاوز دیگران است، صحت دارد یا نه؟!

آیا منطق دین این است؟! آیا منطق اسلام این است؟! وای بر شما با این اسلامتان! وای بر شما با این خدای الاغ سوار و موفربری که می‌تواند هزاران خدا همانند خود را بیافریند!!

من تصمیم داشتم این کلیپ را پخش کنم، اما احساس می‌کنم شاید تحمل این حرف‌ها برای عزیزان سخت باشد.

این افراد در حال حاضر بسیار عصبانی هستند، حتی این دو سه هفته اخیر اهانت‌ها و فحاشی‌های شدیدی به نوامیس ائمه طاهرین (علیهم السلام) نسبت می‌دهند.

یکی از مراجع عظام تقلید می‌گفت: بی‌حیایی حد و اندازه‌ای دارد؛ اما این افراد بی‌حیایی را از حد گذرانده‌اند.

یکی از این کارشناسان وهابی می‌گفت: "بروید در توالت‌ها بنویسید و علیه نظام جمهوری اسلامی تظاهرات کنید"، اما یک نفر برای حرف‌های او ارزش قائل نشد.

همچنین در زمانی دیگر می‌گفتند: "عالمان اهل سنت نباید در جلسات وحدت شرکت کنند"؛ اما همه شرکت کردند.

آن‌ها ویژه برنامه‌ای با موضوع اعدام افرادی که علمای اهل سنت را کشته بودند، گذاشتند و داد و فریاد کردند؛ اما دیدند هیچکسی به این افراد جواب ندادند و اصلاً این افراد را آدم حساب نکردند.

عذر می‌خواهم اما اهل سنت این افراد را خر هم حساب نکردند، بلکه آمدند برعکس این کار را تأیید کردند. این افراد به همین دلیل عصبانی هستند و هیچ کاری نمی‌توانند بکنند؛ الا اینکه جسارت و فحاشی و توهین کنند.

این افراد در نهایت استیصال و بدبختی و بیچارگی می‌بینند که اهل سنت هم آن‌ها را آدم حساب نمی‌کنند، به همین جهت شروع به فحاشی می‌کنند.

من از عزیزان اهل سنت تقاضا دارم جواب بی‌حیایی این وهابیان را بدهند. من از حوزه‌های علمیه اهل سنت و اساتید بزرگوار آنان، طلبه‌های فاضل اهل سنت و دانشجویان عزیز تقاضا دارم جواب بی‌حیایی این افراد را بدهند.

اگر عزیزان اهل سنت جواب این افراد را ندادند و چند نفر از شیعیان نتوانستند خودشان را کنترل کنند و وارد خط قرمزها شدند؛ گلایه نکنند. اگر شیعیان خانه‌های شیشه‌ای را با یک ریگ ویران کردند، کسی گلایه نکند.

ما انتظار داریم اول اهل سنت جواب بی حیایی این افراد را بدهند و دیگر نیازی نباشد که بچه شیعه‌ها وارد این میدان شوند.

قرار بود یک ربع به ده برنامه را به پایان برسانیم و به تماس‌های تلفنی پاسخ بدهیم.

مجری:

فکر می‌کنم دیگر به تماس‌های تلفنی نرسیم، اگر به عنوان حسن ختام برنامه دعا بفرمایید ممنونم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این مطالب هم نکاتی بود که ما مجبور شدیم آن‌ها را بیان کنیم. گاهی اوقات تحمل و اندازه آدم حد و حدودی دارد. اگر این افراد بخواهند بحث علمی کنند، ما آماده هستیم.

ما همیشه پیشنهاد دادیم که این آقای خدمتی بیاید و با هم مناظره دوستانه داشته باشیم. با تمام هتاک‌هایی که این شخص می‌کند باز هم بنده آمادگی دارم. هر روزی که آقای «خدمتی» بخواهد بیاید ما حاضریم روی مباحث اختلافی شیعه و وهابیت دوستانه صحبت کنیم.

مجری:

توحید در رأس این مباحث است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این مباحث از توحید شروع می‌شود و سپس در مباحثی مانند توسل و غیره با هم صحبت کنیم؛ من حرفی ندارم.

ما کاری با ایشان نداریم؛ نه ایشان مورد تأیید ما هستند و نه ما کارهای ایشان را تأیید می‌کنیم. ایشان یک پزشک است؛ نه طلبه است، نه روحانی است و نه حوزه دیده است.

گرچه در بعضی از موارد ایشان مطالبی را مطرح می‌کند که این شخص در چاله می‌افتد که نمی‌تواند بیرون بیاید. اگر راست می‌گویید و اهل مناظره هستید، جناب آقای «خدمتی» بیاید حداقل در همین برنامه ده دقیقه صحبت کند و بنده هم ده دقیقه صحبت می‌کنم.

من در این قسمت باید تشکر کنم؛ زیرا هر مناظره‌ای که تا به حال وهابیت با شیعه داشتند، جز حق‌کشی نبوده است. معمولاً هر موقع شیعه خواست صحبت کند، یا حرف او را قطع کردند و یا نگذاشتند حرف بزند.

در یکی دو موردی که بنده مطالعه کردم، دیدم که واقعاً تقسیم وقت بسیار صحیح بوده است. اگر واقعاً این چنین وقت تقسیم کنند، بنده حاضرم ایشان را به عنوان داور تقسیم وقت قبول کنم و ایشان را برای این کار قبول دارم.

آقای «خدمتی» بیاید و پنج دقیقه صحبت کند و پنج دقیقه هم من صحبت کنم. ما تنزل می‌کنیم و به آقای «کالکرابی» قائل می‌شویم. ایشان بیاید و از یک ساعت تا ده جلسه هر چقدر می‌خواهد صحبت کند و ما هم صحبت می‌کنیم.

او اطلاعاتی از کتابها و سایتها جمع کرده است و اصلاً آدمی نیست که در گود باشد. ما با ایشان اختلافات فکری در زمینه مسائل سیاسی و مشکلی که ابوی بزرگوار ایشان داشتند، هم داریم.

من خدمت ابوی ایشان ارادت فوق العاده دارم؛ ان شاءالله خداوند روح ایشان را شاد کند. من در طول بیش از ۳۰ سال با ایشان مرتبط بودم، عمل مکروهی از حضرت آیت الله خزعلی ندیدم و این مطلب را نزد خداوند عالم شهادت می‌دهم.

خط فکر این شخص با خواهران و برادران و پدرشان و خود ما تفاوت زیادی دارد. اگر واقعاً این اشخاص راست می‌گویند و به دنبال مناظره و روشن شدن حق هستند؛ ما آمادگی داریم.

ما از همین امشب اعلام می‌کنیم که این دو نفر هر روزی که برنامه بگذارند، ما در خدمت آقایان هستیم. همچنین آقای «عقیل با عقل» این‌طور تقسیم وقت کند و ما هم آمادگی داریم بدون هیچ پیش شرطی مناظره کنیم.

مورد بحث باید مباحث اختلافی میان شیعه و وهابیت باشد. ما ایشان را سنی نمی‌دانیم تا در زمینه موارد اختلافی میان شیعه و سنی با این افراد بحث کنیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک بگردان، ما را از یاران و سربازان فداکارش قرار بده، رفع گرفتاری از گرفتاران بنما، حوائج حاجت‌مندان روا فرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد وهابیت تکفیری و داعش و امثال آنان که جهان را ناامن کرده‌اند اگر قابل هدایت نیستند، هرچه سریع‌تر از صفحه گیتی محو و نابود و ریشه‌کن بگردان.

خدایا عزیزان ما اعم از شیعه و سنی در عراق، سوریه، یمن و جاهای دیگر مشغول جهاد هستند، به حق محمد و آل محمد پیروزی نهایی و نصرت کامل بر آنان عنایت بفرما.

خدایا بر همه بیماران مخصوصاً بیماران مورد نظر به حق محمد و آل محمد شفا عنایت بفرما.

حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج ولایت‌یاوران عزیز به حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برآورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

حضرت استاد از شما ممنونم و متشکرم از شما عزیزان و همچنین عذرخواهی می‌کنم از بزرگوارانی که تماس گرفتند، اما فرصت نشد در این برنامه خدمتشان باشیم. از همه شما خوبان التماس دعا دارم.

یا علی مدد، خدانگهدار